

به نام خدا

از تیمور فاتح

تا

تیمور خون خواه

کلید موفقیت هر مسیر تیموراستمرار بود

مؤلف :

امیر محمد عوض پور

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : عوض پور، امیر محمد ، ۱۳۸۵
عنوان و نام پدیدآور : از تیمور فاتح تا تیمور خون خواه / مولف امیر محمد عوض پور
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۰۷ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۱۶۱-۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : تیمور فاتح - تیمور خون خواه - زندگینامه
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۷۸۳۷۶۱۵۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : از تیمور فاتح تا تیمور خون خواه
مولف : امیر محمد عوض پور
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : محدثه فرمند
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴
چاپ : زیر جلد
قیمت : ۱۶۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۱۶۱-۸
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

اطلاعات شخصی	۹
آثار مربوط به عمر شیخ	۱۹
شاهرخ	۲۱
سلطان ابوسعید	۲۴
سلطان بایقر	۲۵
عمر شیخ	۲۶
حکمرانی در فارس	۲۷
فعالیت هاش	۲۷
مرگ گوهرشاد	۲۸
مرگ عمر شیخ	۲۹
خانواده	۲۹
همسران، هم‌بالین‌ها و فرزندان	۲۹
بقیه فرزندان تیمور	۳۰
دوره رونق علوم	۳۰
جانشینان تیمور	۳۱
پیرمحمد	۳۲
پسران تیمور	۳۳
دختران تیمور	۳۳
پسران جهانگیر ویرایش	۳۳
پسران عمر شیخ میرزای یکم ویرایش	۳۳
پسران میران‌شاه ویرایش	۳۳

۳۳		پسران شاهرخ میرزا
۳۳		همسران تیمور
۳۴		بازماندگان
۳۴		باورهای مذهبی
۳۶		اخلاق و روش تیمور
۳۷		ترکیبی شگفت از خصلت‌های گوناگون
۳۸		مروری بر منابع تحقیق درباره‌ی تیموری
۴۰		استعداد های تیمور خون خواه
۴۱		جانشینی برای تیمور خون خواه
۴۲		دی ای ان شناسی تیمور لنگ با نبش قبر او
۴۷		اوضاع ایران در آستانه‌ی ظهور تیمور
۴۷		مهم‌ترین ویژگی عصر فترت
۴۹		یورش‌های سه‌گانه‌ی تیمور
۴۹		یورش سه‌ساله
۴۹		یورش پنج‌ساله
۵۱		خشونت و بی‌رحمی بی‌پایان
۵۲		جاه‌طلبی و کشورگشایی
۵۲		استفاده کردن تیمور از قدرت نرم
۵۴		سیاست اول: فعال سازی منابع اعتقادی
۵۴		سیاست دوم: فعال سازی اختلافات داخلی
۵۴		سیاست سوم: ترساندن و تهدید کردن مخالفان
۵۵		سیاست چهارم: خبرپراکنی هدفمند
۵۵		سیاست پنجم: دوستی و خیانت

سیاست ششم. تضعیف روحیه و توان مقاومت.....	۵۶
دانش دوستی تیمور.....	۵۷
میراث.....	۵۸
روابط تیمور با پادشاهان اروپا.....	۶۰
منابع.....	۶۱
سادات مرعشی.....	۶۲
آل کیا.....	۶۳
نعمت الاهی.....	۶۳
آل کیا.....	۶۳
عالمان شیعه معاصر.....	۶۴
از دیگر عالمان شیعه معاصر.....	۶۵
عالمان شیعه معاصر.....	۶۵
سیاست مذهبی.....	۶۸
عدم تندروی با شیعیان.....	۶۸
احترام به صوفیان.....	۶۹
توجه به سادات.....	۶۹
حکومت‌ها و فرقه‌ها با اعتقادات و تمایلات شیعی.....	۷۰
مقاله اصلی: سربداران.....	۷۰
صوفی‌گری.....	۷۱
ادبیات در دوره تیموریان.....	۷۲
شعر بر کتیبه‌ها و دولت‌شاه سمرقندی.....	۷۴
غزل و انواع آن در زمان تیمور.....	۷۵
ادبیات ترکی.....	۷۷

۷۸	قصاید دینی.....
۷۹	قصاید شاه نعمت الله ولی.....
۷۹	ادبیات عربی.....
۸۰	ساخت کتاب و نقاشی.....
۸۱	جمع‌آوری نسخ خطی.....
۸۴	تحولات کلی در هرات.....
۸۵	معماری.....
۸۷	ساخت و سازهای تیمور.....
۸۸	تزئینات در دوره تیموریان.....
۹۱	سفال‌گری.....
۹۳	دوره آزادی صنعت‌گران.....
۹۴	سفال‌سازی در ایران در اواخر سده نهم.....
۹۶	فلزکاری.....
۹۷	سایر آثار این دوره.....
۹۹	هنرپروری در دیدگاه کلاوی خو.....
۱۰۰	سکه شناسی.....
۱۰۱	نقوش ضرب سکه.....
۱۰۲	ویژگی مهم سکه.....
۱۰۳	ضرابخانه‌های تیموریان.....

در این کتاب علاوه بر آشنایی با

قوم تیموریان و اوضاع ایران در

آن زمان میتوانیم چندین

موضوع را در آن دریابیم مانند

استمرار و تلاش برای هر

کاری ممکن است و اگر آن

را به دست آوریم ولی اگر

سوء ضعف در اداره

آن کار داشته باشیم

موثر نیست مانند فروپاشی حکومت تیموریان

(به گفته نویسنده / مولف کتاب امیر محمد عوض پور .)

اطلاعات شخصی

نام: تیمور

لقب: صاحب‌قران، گورکانی، لنگ

پدر: ترغای / طراغینابه

مادر: تکینه

فرزندان پسران ارشد:

جهانگیر، عمر شیخ، میران‌شاه، شاهرخ؛ دختر: طغی‌شاه (آکه بیگ

همسر / همسران مشهور:

الجای ترکان، سرای ملک، تومان، دل‌شاد

دین: اسلام

محل دفن: سمرقند

سمت: سلطان

سلسله: تیموران

گستره حکمرانی: ماوراءالنهر، سند، کابل،

سیستان، تفلیس، دمشق، بغداد

آغاز حکومت

۷۷۱ق

پایان حکومت

۸۰۷ق

همزمان با

بایزید (عثمانی)، علی مؤید (سربداران)، احمد (جلایری)، منصور (آل مظفر)،
قره یوسف قره قویونلو، ممالیک مصر، شهید اول، شاه نعمت الله ولی، ابن خلدون

اقدامات مهم

فتح سرزمین های بسیار، نابودی حکومت های خرد و کلان

آثار برجای مانده

بناهای معماری در سمرقند، ماوراءالنهر و خراسان

پیش از شاهرخ میرزا

از تیمور فاتح تا تیمور خون خواه

مؤلف: امیر محمد عوض پور

موضوع اصلی این کتاب آشنایی با تیمور لنگ و قوم بزرگ لر است تیمور در خانواده‌ای از قبایل برلاس، یک قبیله ترک‌زبان با اصالت مغول، در ماوراءالنهر و در شهر «کش» از توابع سمرقند در ترکستان (آسیای مرکزی و ازبکستان فعلی) در ۷۳۶ ه‍.ق / ۱۳۳۵ م. متولد شد و به دلیل هوش سرشار خیلی زود در سوارکاری و تیراندازی مهارت یافت. همان‌طور که نوشتیم تیمور اهل کش بود. کش یکی از شهرهای ازبکستان امروزی است که در آن زمان تحت حاکمیت ایران بود. در زمان جوانی تیمور که او شخصی قوی هیکل بود، جنگ قبیله‌ای در ازبکستان در گرفت.

پدر تیمور از بزرگان شهر بود و تیمور با کمک به او توانست تدابیر بسیار خوبی را انجام دهد.

بعد از مدتی بر همگان ثابت شد که تیمور تنها یک جوان معمولی نبوده و می‌تواند تصمیمات یک رهبر را اتخاذ کند. و او را از همان ابتدا فرمانده ای بزرگ به چشم می‌آمد آن‌طور که نوشتیم تیمور با خاندان قزغن وصلت کرده و به سبب همین خویشاوندی در خانواده امیر حسین به «گورکان» (به معنای داماد در گویش ترکی) مشهور شد.

با این حال دوستی تیمور با امیر حسین دیری نپایید و با مرگ اولجای ترکان، جنگ بین این دو امیر اجتناب‌ناپذیر شد.

در آخرین نبرد، قلعه هندوان نزدیک بلخ، به محاصره سپاه تیمور درآمد و امیر حسین مغلوب و به قتل رسید. با این پیروزی، تیمور در بلخ به فرمانروایی مستقل رسید (رمضان ۷۷۱ ه‍.ق / آوریل ۱۳۷۰ م) و خود را صاحبقران خواند.

چهار تن از زنان امیر حسین را نیز به ازدواج خود درآورد و باقی را به سرداران بخشید. پس از آن به ماوراءالنهر رفت و سمرقند را پایتخت خویش ساخت و تیمور با مرگ امیر حسین اولین رقیب خود را بر سر راه برداشت تیمور دشت قبیچاق و مغولستان را فتح کرد و در سال ۷۸۳ ه‍.ق فرزند ده‌ساله خود، میران شاه را با سپاهی مأمور تسخیر خراسان کرد و خود نیز به آن‌ها پیوست.

تیمور نیشابور و هرات را تصرف کرد و در هرات از سرهای مردم مناره‌ها ساخت. سپس مازندران را که تا سال ۷۵۰ ه‍.ق در تصرف باوندیان بود و این زمان مرعشیان بر آن حکومت می‌کردند،

تسخیر کرد. در یورشی سه ساله که از ۷۸۸ تا ۷۹۰ ه‍.ق طول کشید آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و شروان را نیز تصرف کرد و در سال ۷۹۳ ه‍.ق مردم خوارزم را قتل عام کرد

از آنجا بود که گفت رنج از برای خود نبردم بلکه خون خواه صد هزار سرم. و نبرد های متعددی از تیمور خون خواه شروع شد بعد از فتح نواحی مهم در ایران جنگ های پنج ساله را آغاز کرد. حمله پنج ساله او میان سال های ۷۹۴ تا ۷۹۸ ه‍.ق صورت گرفت و پس از آن حکومت هر شهر را به یکی از فرزندان یا خویشاوندان خود سپرد.

سپس مسکو را گشود و عازم هندوستان شد. در سال ۸۰۱ ه‍.ق آنجا را تصرف کرد و صد هزار نفر را به قتل رساند. پس از تقسیم شهرها و نواحی تصرف شده، به سمرقند بازگشت.

تیمور که اکنون خود را پادشاه بزرگی می دانست اما در ذهن خود بزرگ اما در واقعیت امر به گفته مولف یک خون خواهی بیش چیزی نبود آخرین و طولانی ترین سفر جنگی یورش، با نام «یورش هفت ساله»، را به نواحی غربی آغاز کرد. غربی آغاز کرد.

حملات تیمور منجر به شکست سلطان مملوک مصر و سلطان عثمانی بایزید یکم شد. وی هنگام رهسپار شدن به این سفر جنگی، اداره سمرقند را به محمد سلطان، پسر بزرگ جهانگیر و اندیجان را نیز به اسکندر، پسر عمر شیخ وا گذاشت.

این شخص انگار که از همان بچگی یک خوی وحشیگری در خود داشت که تا که در بزرگ سالی او را همراهی کند لشکرکشی تیمور به ایروان از سال ۸۰۲ تا ۸۰۷ ه‍.ج قمری طول کشید. تیمور در طول این لشکرکشی ها، شهرهای حلب، دمشق و بغداد را نیز تصرف کرد میان فتوحات بزرگ؛ تیمور تمام نواحی ایران را نیز به تصور خود درآورد. یکی از این شهرها اصفهان بود. اما مردم اصفهان که تیمور را به عنوان یک ایرانی قبول نداشتند، شوریدند و شهربانان را کشتند.

تیمور که این موضوع را فهمید با لشکرش وارد شهر شده و حدود هفتاد هزار نفر از مردم شهر را قتل عام کرد این بار تیمور خوی خون خواهی در بدنش جوشید اما این بار در اصفهان خودمان تیمور که این موضوع را فهمید با لشکرش وارد شهر شده و حدود هفتاد هزار نفر از مردم شهر را قتل عام کرد. روایت ها تایید کرده اند که تیمور دستور داده بود سرهای مردم را کنده و از آن ها

کوهی بسازند. این وحشی‌گری تیمور در تاریخ ایران بی‌سابقه بوده و تنها چنگیز چنین کارهایی کرده بود.

در آن موقع اصفهان دارای دیوار و برج و باروی محکمی بود که قطر آن، آن قدر پهن بود که یک گاری می‌توانست روی دیوار شهر حرکت کند.

تیمور لنگ از راه همدان و گلپایگان خود را به سیده اصفهان (خمینی‌شهر کنونی، شهری نزدیک اصفهان) رسانید و در آن جا پس از کسب اطلاعات وسیعی از وضعیت اصفهان، شهر را از بهار سال ۷۸۹ ه‍.ق محاصره کرد.

علمای شهر به اتفاق حاکم شهر توافق کردند که از تیمور امان بخواهند و در عوض به او باج و خراج بدهند تا شهر دچار قتل و کشتار نشود. در این موقع امیرمنصور مظفری برای جمع‌آوری سپاه از طریق شیراز به خوزستان به‌ویژه دزفول رفت. تیمور حمله خود را آغاز کرد و حدود هفتاد هزار نفر را کشت و بچه‌های یتیم زیادی در شهر به جا ماندند. تیمور ابتدا مردم باقی‌مانده را وادار کرد که کشته‌شدگان تاتار را دفن کنند.

در نزدیک مسجد جامع اصفهان در یک منطقه مرتفع، تمام بچه‌های کشته‌شدگان توسط یکی از بزرگان شهر جمع‌آوری شدند. تیمور وقتی که به سمت کودکان نظر کرد، پرسید که این نگوین بختان خاک‌نشین کیستند؟ آن مرد بزرگ گفت: کودکان بینوا هستند که پدر و مادرشان به تیغ سربازان تو هلاک شده‌اند. تیمور چیزی نگفت و به آن سویی راند و چنان نمود که ایشان را ندیده است. پس از این قتل‌عام، تیمور با سپاهیان خود به سمت شیراز حرکت کرد. اهالی شهر دروازه‌ها را گشودند در حالی که ملک منصور از آل مظفر در دزفول واندیمشک بود.

او هر کس از آل مظفر را که در شیراز اسیر نموده بود کشت، اما به مردم صدمه‌ای وارد نکرد. وی سپس شاعر بزرگ شیراز یعنی حافظ را خواست و به او گفت که من قسمت بزرگی از جهان را به ضرب شمشیر گشودم و هزاران شهر را ویران کردم تا پایتخت‌های خود را آباد و زیبا کنم و تو آن را که سمرقند باشد به خال هندویی می‌بخشی.

خواجه فی البداهه جواب داد، ای سلطان این بخشش‌های بی جا بود که مرا به این روزگار فلاکت‌بار انداخت. تیمور از این جواب حافظ خوشش آمد و او را بخشید و انعامی به او داد. همزمان با یورش تیمور به ایران، اتابکان لر کوچک با حکمرانی اتابک عزالدین بر لرستان حکومت می‌کرد. تیمور طی حملات متعدد که به یورش‌های سه‌ساله، پنج‌ساله و هفت‌ساله شهرت دارند، دو بار لرستان را آماج تاخت و تاز خود ساخت. تیمور پس از گشودن فیروزکوه و بییق به‌سوی ری رفت و آن شهر را به شدت ویران کرد، پس از آن به‌سوی قم حرکت کرد و دژ گیو را تسخیر نمود.

سپس به‌سوی بروجرد حرکت کرد و در ربیع‌الثانی سال ۷۸۸هـ.ق به پشت دروازه‌های بروجرد رسید. تیمور در این یورش خرم‌آباد را غمکده گردانید. تیمور در یورش دوم خود، موسوم به یورش پنج‌ساله مجدداً برای خواباندن طغیان‌هایی که در ایران برخاسته بود به این سرزمین رهسپار شد. وی چون شنیده بود که عزالدین دوباره عاصی شده سر به اطاعت فرو نمی‌آورد. مجدداً به لرستان لشکرکشی کرد. تیمور پس از آن که بروجرد را تسخیر کرد.

نبرد با امپراطوری چین امروزی در سال ۱۳۶۸ میلادی نیروهای چینی هان، توانستند که مغول‌ها را از چین بیرون برانند. نخستین امپراتور از دودمان جدید مینگ، امپراتور هونگ‌وو و پسرش، امپراتور یونگ‌لو، ایالت‌های بسیاری را از آسیای مرکزی برای دریافت خراج ایجاد کردند. رابطه سلطنتی و رعیتی بین امپراتوری مینگ و تیموری برای مدتی طولانی وجود داشت. در سال ۱۳۹۴، فرستادگانی از سوی هونگ‌وو، نامه‌ای را به تیمور ارائه کردند که او را موضوع خطاب قرار داده بود.

او اما فرستادگان امپراتور چین را بازداشت و اسیر کرد. تیمور سرانجام تصمیم به حمله به چین گرفت. برای این منظور، تیمور با قبایل مغول باقی‌مانده مستقر در مغولستان ائتلاف کرد و تدارکات جنگ را آماده کرد.

تیمور ترجیح داد که نبردهای اصلی خود را در بهار انجام دهد. با این حال، او در مسیر چین، طی یک کارزار زمستانی نامشخص جان خود را از دست داد.

تیمور لنگ یا تیمور جهانگشا: در کتاب خودش (منم تیمور جهانگشا) در مورد مردان زاگرس نشین چنین نوشته است: با قومی برخوردیم که با هر دو دست خود می جنگیدن یک دست گرز و یک دست شمشیر و فریاد می زدند تیمور کجاست گفتم تیمور در انتهای سپاه هست در صورتی خود تیمور بودم زمانی که شیراز را فتح کرد و پوست حاکم شهر را زنده زنده کند و هنگام بازگشت به سمرقند پایتخت خود خبری بگوئیم رسید که پسر دوش را در شیراز به قتل رساندند. در حالی که نیم روز تا سمرقند باقی مانده بود تیمور سواران و لشکر (۱۲۰۰۰۰ نفر ۲۴۰۰۰۰ اسب) خود را به راه شیراز برگرداند (سریع ترین لشکر پیاده جهان مربوط به تیمور بود)

هنگامی که به شیراز رسید سرپسش را به دار آویزان کرده بودند. از مردم شیراز پرسید انجا چه کسانی بودند گفتند: انجا اقوام لر هستند که از کوه های فارس تا یاسوج کنونی هستند. (منظور لرهای کهگیلویه و ممسنی امروزی).

تیمور پس از ۲ ماه تعقیب و گریز در کوه های زاگرس و با از دست دادن حدود ۸۰۰۰ تن از سربازان خود نتوانست آن ها را شکست بدهد و به تیمور گفتند اگر دنبال آن ها بروی تمام سربازانت را از دست خواهی داد و تیمور راه خود را کج کرد و از آن منطقه دور شد.

یکی دیگر از نبردهای تیمور لنگ در منطقه ی خرم آباد بود که در آنجا به گفته خود تیمور لنگ به یکی از سخت ترین اقوام ایرانی برخوردیم که از حیرت و شگفت شیفته ی آن ها شدم آن ها هنگام جنگ هیچ وقت فرار نمی کردند تا کشته می شدند و خان آن ها در آن جنگ (که به صورت تن به تن بود) با گرز شانه ی راست تیمور لنگ را از جا درآورد و دست او را هم لنگ کرد (تیمور لنگ از پای چپ و دست راست لنگ بود و به خاطر این لقبش تیمور لنگ شد) در جنگ تیمور لنگ با اقوام ایرانی زاگرس نشین که در منطقه ی لرستان (لرهای منطقه ی لرستان کنونی) لرها چنان جنگی سختی با تیمور کردند و او را مجروح کردند تیمور در آخر عمر خود گفت تنها جای که دیدم مردمش پشت به جنگ نکردند و تا لحظه ی مرگ مقاومت کردند و آن ها قله های سنگ های بزرگ را جوری پرتاب می کردند که هر کدامش جان سربازانم را می گرفت...

و اما وقتی تیمور با این دو اقوام لر برخورد کرد حساب کار آمده بود دستش و هنگامی که از منطقه ی ایزه رد می شد به یک چوپان رسید با گویش دیگر برخورد و از او پرسید آیا در این